

ذکر خاطره شیرین تربیتی

درپایگاه بسیج شهدای کلاته انداده جوین خراسان رضوی در اوایل شروع حلقه های صالحین و جذب یکسری جوانان هنجارشکن و یا نابهنجار، یک سری مخالف جذب و ورود این بچه ها به حلقه ها و حتی بعضی مواقع برادرانی که طاقت رفتارها و سخنان آنها را نداشتند با ناراحتی جلسه

را ترک و شاید چند جلسه هم حضور پیدا نمی کردند ولی ما کارخودمان را انجام میدادیم

روزهای خیلی سخت بایک سری جوانان پرشر و شور اما با قلبی بی ریا بعد از جلسات زیاد و آموزش های تئوری و میدان تیر وارد اردوهای تفریحی ورزشی و رفاقت های کوچه و همراه شدن در مراسم های مذهبی و غیره .

... یک روز درمسجد روستا نماز مغرب و عشا بایکی از اهالی مشغول صحبت درباره موضوعی بودیم ان بنده خدا یک دفعه گفت فلانی چند روز پیش ظهر ادمم مسجدنماز بخوانم وارد مسجدشدم یک دفعه فکر کردم اشتباه میکنم . گوشه مسجد جوانی را دیدم دارد نماز می خواند که شآید پدر و مادر جوان هم اگر می دیدند باور نمی کردند چنان غرق در راز و نیاز با خدای خود بود که من حسرت ان خلوص و بندگی را کردم باخودم گفتم بچه ها اگر در مسجد شب های جمعه در حلقه صالحین جمع می شوند نتیجه میشود نماز خواندن این جوان و حسرت ان پیرمرد. باخودم گفتم شجره طیبه صالحین میوه های شیرین و بهشتی دارد.

برای سلامتی رهبر عزیزم سه صلوات بفرستید